



تولیدکننده ایرانی و فشارهای اقتصادی

زیر و بم صنعت ایرانی

تحلیل آقای جعفر ذره‌بینی، مدیر عامل و عضو هیأت مدیره شرکت پریس

مروری بر وضعیت اقتصادی کشور در سال گذشته - به خصوص فضای کسب و کار - نشان دهنده این است که باید سال ۸۸ را سال رکود صنعت و اقتصاد دانست، به طوری که در کنار تعدیل گسترده نیروی کار در بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی، ورود واحدهای جدید به صنعت هم نسبت به سال‌های گذشته با افت بیشتری مواجه شد. دلیل این امر را می‌توان سهم انحصاری بخش دولتی از صندوق ارزی و عدم بهره‌برداری عادلانه بخش‌های خصوصی از این صندوق دانست. آسیب‌شناسی مسایل حاکم بر فضای کسب و کار در کشور ما نیز حکایت از تأثیرات فراوان سیاست‌های دولت و مشکلات بین‌المللی دارد، به طوری که علاوه بر تحریم‌های بین‌المللی که اثرات زیادی را بر اقتصاد بر جای گذاشته‌اند، نباید فراموش کرد که رکود جهانی هم بر ما بی‌تأثیر نبوده است. مضاف بر آن که سیاست‌های اصلی اقتصادی کشور ما با اشکالات فراوانی همراهند که تمام این مسایل، تأثیر مستقیمی بر بنگاه‌های اقتصادی کشور گذاشته و خواهند گذاشت. موضوع دیگری که به صورت مضاعف، فضای اقتصادی کشور را تهدید می‌کند، بحث هدفمندسازی یارانه‌ها است که چه درست و چه غلط در مجلس به تصویب رسید و در سال جاری به اجرا گذاشته خواهد شد. در این خصوص باید گفت تبعات منفی اجرای این قانون در هر دو وضعیت مدنظر

دولت و مجلس در سال ۸۹ بسیار است، چرا که هیچ کدام از بخش‌های صنعت، زیرساخت‌های مناسبی برای اجرای قانون مذکور ندارند.

رکود دست‌ساز

افزایش قیمت انرژی که به افزایش هزینه تولیدکننده منجر خواهد شد، به مصرف‌کننده انتقال می‌یابد که در نتیجه آن، علاوه بر تورم، شاهد شکل‌گیری رکود در اقتصاد خواهیم بود. این تنها بخشی از مسأله است، چرا که رکود ایجاد شده در بخش تولیدی سبب می‌شود این بخش توانایی پرداخت بدهی‌هایش را نداشته باشد، در نتیجه حجم معوقه‌های بانکی افزایش خواهد یافت که متأسفانه به این مسایل توجهی نشده است. تنها قرار است ۳۰ درصد حجم پولی که از این قانون نصیب دولت می‌شود، به صنعت اختصاص یابد. حال شما محاسبه کنید در کشوری که ۸۰ درصد صنایع آن را بخش دولتی و تنها ۲۰ درصد را بخش خصوصی تشکیل می‌دهد، چه مقدار از این ۳۰ درصد به بخش خصوصی خواهد رسید؟ مضاف بر این، سوابق تخصیص اعتبارات دولتی به بخش خصوصی، نگرانی این بخش مولد کشور را از سیاست‌های حمایتی دولت بیشتر می‌کند که اختصاص اعتبارات از صندوق ذخیره ارزی به بخش خصوصی از این موارد است. البته

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۳۴ گاو صندوق‌ها بعد از هدفمندی

۳۹ صنعت پلاستیک در قهقرا

۴۰ اخبار پتروشیمی

۴۱ متحد استراتژیک

۴۲ قانونی برای تمام فصول

۴۳ ارفاق یارانه یا الزام هدفمندی؟

۴۴ در محاق تردید

۴۵ در راهروهای بهارستان

۴۷ در تار و پود اقتصاد بیمه

۴۸ مسکن‌های مسکن

۴۸ یک عمر خانه‌داری

دقت در این امر ضروری است که در اصل قانون ذخیره ارزی اشکالی وجود ندارد، بلکه اشکال در بخش صنعت است. دولت سهم قسمت صنعتی را پرداخت می‌کند، اما این سهم فقط به بخش دولتی می‌رود و صنایع خصوصی از آن بی‌بهره‌اند. مثال دیگر، تفاوت در پرداخت وام بانکی به بخش دولتی و خصوصی است. بخش دولتی از ظرفیت‌های بالایی برای دریافت وام بانکی برخوردار است، در حالی که بخش خصوصی چنین امکانی را در اختیار ندارد؛ البته لازم به ذکر است که اخیراً این موضوع رو به بهبود می‌باشد.

در عین حال سؤال جدی متخصصان اقتصاد و تولیدکنندگان داخلی این است که چرا باید دروازه واردات، اینگونه به روی کشور ما باز باشد تا از پُر شدن بازار از محصولات خارجی، چنین نگران شویم و بخوایم فکری به حال رکودی کنیم که در کشور و صنعت ایجاد شده است. باید کل نظام و تمام جناح‌ها فقط هدف اعتلای اقتصاد و فرهنگ ایران را داشته باشند و همگی در جهت دستیابی به این هدف تلاش کنند و مشکلات و موانعی را که در مسیر تولید و صادرات کشور حاکم است از پیش روی تولیدکننده ایرانی بردارند. تأمین مالی تولید، موانع قانونی و نظارتی، اشکالات فضای کسب و کار، فضای مالیاتی نامناسب، سیاست‌های نادرست و متلاطم پولی و ارزی و واردات بی‌رویه از مشکلاتی هستند که بی‌توجهی به آنان منجر به شکست تولید و افت روند توسعه اقتصادی در کشور خواهد شد. لذا دولت و تصمیم‌سازان اصلی اقتصاد کشور، باید یک تیم کارشناسی را سازماندهی کرده و با شناسایی نقاط مثبت و منفی، تأثیرات سیاست‌های مأخوذه را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهند، چرا که تنها با کار کارشناسی می‌توانیم به هدفی مثبت دست یابیم. ■